

در مقدم طه و یسین^ص

پروفسور سیده بلقیس فاطمه حسینی*

ای ماه ربیع
 ای ماه نوبهاران
 زمین گسترده فرش و قالی
 کهنکشان دوخته ستاره‌ها در راه
 در انتظار صبح نو
 *

ای آفتاب حسن!
 خورشید از غیرت جمال تو
 از آغوش شب تاریک
 سر را بلند کرده
 می‌مالد چشم خواب آلود
 شرمنده و رخ زرد
 چون موج نور در افق تماشایی
 *

تمام روز از شرق تا به غرب
 بد کاسه گدایی
 و نقش بر آب
 *

* استاد و رئیس اسبق بخش فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

با خیرگی چشم
حیران و نگران
از درخشش
مبدای سرچشمه نور
خورشید رسالت
بر آسمان بلند و رفیع
*

از مکان تا لامکان
طنین می‌اندازد ندای صدق مشتاقان
چون ستاره‌های فروزان نبوت
تبریک می‌گویند
با نوح و کلیم
با ابراهیم و مسیح
در مقدم طه و یسین ص

نام محمد ص

بگرام شکلا*

ز دست ساقی کوثر رسید جامِ محمد ص	روان برهمَنم مست گشت و رامِ محمد ص
من از بهار شنیدم ز نکهت گل رعنا	پیام و عطر خدا بود در کلام محمد ص
مثال طفل که دستی به سوی ماه برآرد	منم گدای معانی و وصف نام محمد ص
به غیر عشق و صفا نیست دین احمد مُرسَل	به غیر مهر و وفا نیست در مرام محمد ص
کسی که روز و شبش را به طبل جنگ بگوید	نمی‌شود به خدا قسمتش سلام محمد ص
قسم به مأمَن عشاق و زلف پر گره دوست	نجات محض بود رفتنم به دام محمد ص
شفیع هر دوجهان می‌شود به مهر و دعایش	که نیست روز قیامت بجز قیام محمد ص؟
بجای شمس به شب ماه جلوه می‌کند - آری	علی وصی محمد شد و دوام محمد ص

به جز کلام محمد، من از علی نشنیدم

اگر غلام علی هستم و غلام محمد ص

* استادیار بخش سانسکریت، دانشگاه دهلی، دهلی.

نعت رسول مقبول ص

دکتر احمد علی برقی اعظمی*

وجه وجود کون و مکان سیدالبشر	رطب اللسان به وصف تو هستند بحر و بر
باد صبا اگر به مدینه کنی سفر	همراه خود سلام مرا هم به او بیر
هستم دُچار گردش آشوب روزگار	مشتاق دید گنبد خضراست چشم تر
ای آنکه قول و فعل تو قرآن ناطق است	شق شد به یک اشاره انگشت تو قمر
اشکی که می چکد به فراق ز چشم من	از شور و شوق و حال زبون می دهد خیر
پژمرده شد ز فصل خزان گلشن حیات	لطفاً بده ز نخل سعادت به من ثمر
مثل تو نیست دیگری در جمله کاینات	بعد از خدا بزرگ تویی قصه مختصر

این هم رود به سوی مدینه ز فضل رب

برقی شود ز فرصت دیدار بهره ور

* بخش فارسی رادیوی سراسری هند، دهلی نو.

نعت نبی ص

دکتر رئیس احمد نعمانی*

نمودم سفر با خیال نبی ص به گیتی ندیدم مثال نبی ص
 اگر پُرسی از من که قرآن چیست کلامِ خدا در مقالِ نبی ص
 نگاهم، نثارِ نگاهی که دید رخ و روضه با جمالِ نبی ص
 شود کاشکی سرمه چشم من غباری که شد پایمالِ نبی ص
 زهی لطف عامی که بدخواه هم نه محروم شد از نوالِ نبی ص
 کمالش چه آید به ادراکِ ما نظر خیره پیش جمالِ نبی ص
 کجایید، تاریخ خوانان دهر ز قرآن بپرسید حالِ نبی ص

رسد کاش در روزِ محشر رئیس

لبم تا به خاکِ نعالِ نبی ص

* استادیار فارسی مدرسه اس.تی.اچ. دانشگاه اسلامی علی گره و مدیر مرکز مطالعات فارسی، علی گره.

تبسم خورشید

دکتر علی رضا قزوه*

وانسان هرچه ایمان داشت پای آب و نان گم شد
 شب میلاد بود و تا سحرگاه آسمان رقصید
 همان شب چنگ زد در چین زلفت چین و غرناطه
 از آن روزی که جانت را، اذان جبرئیل آکند
 تو نوح نوحی اما قصه ات شوری دگر دارد
 شب میلاد در چشم تو خورشیدی تبسم کرد
 زمین با پنج نوبت سجده در هفت آسمان گم شد
 به زیر دست و پای اختران آن شب زمان گم شد
 میان مردم چشم تو یک هندوستان گم شد
 خروش صور اسرافیل در گوش اذان گم شد
 که در طوفان نامت کشتی پیغمبران گم شد
 شب معراج زیر پای تو صد کهکشان گم شد

بیخس - ای محرمان در نقطه خال لب ت حیران

خیال از تو گفتن داشتم، اما زبان گم شد

* رئیس مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری، تهران، ایران.

والا پیام‌دار محمد^ص

نقی عباس کیفی*

از کوه نور، آمده بودی، با یک سبد بهار، محمد^ص
 بر شانه‌ات هزار فرشته، در سینه‌ات شرار، محمد^ص
 اقرأ؛ بخوان... تو خواندی و انگار، «اقرأ» تو بودی از دهن غار
 آری، تو خود کلام خدایی؛ برگشته‌ای ز غار، محمد^ص
 ای جلوه‌گاه خُلق ستوده! دنیا در انتظار تو بوده
 این خُلق را رسان به قراری، با جان بی‌قرار، محمد^ص
 تو آفتابِ اوّل و خاتم، تو رحمتی برای دو عالم
 هرچند زیر پای تو ریزند، از بغض و کینه، خار، محمد^ص
 هم در ازل وجود تو موعود، هم تا ابد فیوض تو موجود
 مانند لطفِ حضرتِ معبود، پنهان و آشکار، محمد^ص
 با قلب خسته و جگر ریش، دنیا شده‌ست تشنه‌تر از پیش
 بر جان ما بیار محمد! والا پیام‌دار! محمد^ص

* استاد میهمان بخش فارسی، دانشگاه دهلی، دهلی.

زمین پُر است

مهدی باقرخان*

هرچند قلب دشمنت از کفر و کین پُر است نام بزرگوار تو در هند و چین پُر است
 سرحلقه تمام بزرگان عالمی از احمد و محمد^ص تو هر نگین پُر است
 بی گور و بی نشان شده‌اند اهل ظلم و جور از تربت شهید ره حق، زمین پُر است
 ما را هراس نیست ز شمشیر دشمنان کز قطره‌های خون دلم، آستین پُر است
 هرچند سجده نیست مرا جز به درگهش از نور آفتاب خیالت، جبین پُر است
 بشنو، ز گوش هوش ضمیر و ز قلب پاک قرآن همیشه از سخن دلنشین پُر است
 عمری گذشت و دفتر دل‌های عاشقان
 از صائب و کلیم و غنی و حزین پُر است

* استاد میهمان بخش فارسی، دانشگاه جامعه ملیه اسلامی، دهلی‌نو.

ذکر میلاد

غلام اختر*

ای انیس بیکسان خوش آمدی	شمع بزم لامکان خوش آمدی
رحمت عام جهان خوش آمدی	فیض روز امتحان خوش آمدی
این زبان حال و قالم کرد فاش	ای درین جانم نهان خوش آمدی
ای زجان مومنان نزدیک‌تر	ای غرور روح و جان خوش آمدی
گر نبودی دین حق می‌شد نهان	باعث کون و مکان خوش آمدی
کشت عالم بود بی‌تو خشک‌زار	ای بر آن ابر روان خوش آمدی
ما سوی الله را فنا باشد ولیک	ذکر تو شد جاودان خوش آمدی
ای که راه دین تو شد راه ناب	حاصل پیغمبران خوش آمدی

می‌کنم من ناز بر تقدیر خود
اخترت شد نعت خوان خوش آمدی

* دانشجوی دکتری بخش اردو، دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو.

پیامبر رحمت ص

دکتر عزیز مهدی *

طنین قلبِ مرا پاره پاره کرده محمد ص به دفترِ دلِ من استخاره کرده محمد ص
 هوای تیره‌دلان را سیاه و دود گرفته سپهرِ جان مرا پُر ستاره کرده محمد ص
 ز غافلان جهان، برگرفته یار، نظر را به سوی کعبهٔ جانم اشاره کرده محمد ص
 ز سردسیری پاییز، بیمه شد دلِ مستان که باغ خرم‌شان را بهاره کرده محمد ص
 به بوستانِ دلِ ما «و این یکاد» بخوانید سرای روشن ما را نظاره کرده محمد ص

عزیز! حاجت خود را به جز به دوست چه گویی؟

که مشکلات تو را پاک، چاره کرده محمد ص